

خبر کوتاه

تجلیل از بهمن قبادی در «لوکارنو»



ساخته بهمن قبادی که به شیوه ویدئویی تصویریبرداری شده است در بخشspecial cvent retrospective در کنار فیلم‌های دیگری از دو فیلم‌ساز یاد شده به نمایش درخواهد آمد. همچنین طبق اعلام مؤفیلیم؛ جشنواره فیلم «لوکارنو» از ۱۱ تا ۲۱ مردادماه سال جاری در شهر لوکارنو در کشور سوئیس برگزار خواهد شد. فیلم «دف» هم‌اکنون نیز برای حضور در جشنواره بین‌المللی (docusur) در کشور اسپانیا انتخاب شده است. «دف» فیلمی درباره خانواده‌ای در نقطه‌ای از کره‌ستان است که مشغول به ساخت سازدف هستند.

فیلمبرداری اقلیما از نیمه گذشت

فیلمبرداری فیلم سینمایی «اقلیما» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور از نیمه گذشت و گروه فیلمبرداری از فردا (کشنبه) در منطقه لوسان به عنوان آخرین لوکیشن فیلم کار را ادامه می‌دهند. فیلمبرداری آخرین ساخته عسگرپور بعد از «قدمگاه» از اواسط تیرماه در تهران آغاز شده بود. در خلاصه داستان «اقلیما» آمده است: عماد و توران زوج جوانی که زندگی آسوده و راحتی دارند و عاشقانه زندگی می‌کنند. اما این آرامش دیری نمی‌پاید و زندگی آنها دستخوش اتفاقات عجیب و غریبی می‌شود. نقش این دو زوج جوان را، پانته آپهرام و حسین یاری ایفا می‌کنند. همچنین یقیه بازپیرگان عبارتند از: احمد مهران‌فر، هنگامه قاضیان، شاهرخ فرونتیان، احسان امانی، سارا زرین کشش، صغری عیسی و فرزنا رهنما.

مستند جدید کیارستمی در ملبورن



جدیدترین فیلم کوتاه عباس کیارستمی که در قالب یک اثر مستند تهیه شده است در پنجاه و پنجمین دوره جشنواره فیلم ملبورن به نمایش در می‌آیند. جدیدترین فیلم کوتاه عباس کیارستمی در کنار یک مجموعه اثر مستند که یک برنامه ۱۱۴ دقیقه‌ای از شکل می‌دهد به روی پرده خواهد رفت. فیلم بید مجنون ساخته مجید مجیدی نیز در این جشنواره به نمایش در خواهد آمد. همچنین قرار است مجموعه آثار جعفر پناهی در قالب یک برنامه با عنوان «فوکوس بر آثار پناهی» به نمایش درآید. جشنواره فیلم ملبورن به بخش‌های داستانی، کوتاه و مستند اقدام به گزینش و نمایش فیلم می‌کند.

باز هم سبب داری در ونیز

باز هم سبب داری؟ اولین تجربه بلند سینمایی بایرام فضلی به بخش خارج از مسابقه جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» راه یافت. این فیلم علاوه بر این بخش، در بخش فیلم‌های اول این جشنواره نیز با فیلم‌های کشورهای دیگر به رقابت خواهد پرداخت. گفته می‌شود یکی از داوران این بخش محسن مخملباف است. به این ترتیب از میان تعداد زیاد فیلم‌های ایرانی متقاضی شرکت در این دوره از جشنواره فیلم ونیز تنها ساخته یک کارگردان جوان که پیش از این به‌عنوان فیلمبردار شناخته می‌شد به این جشنواره راه یافته است. بایرام فضلی پیش از این دو فیلم کوتاه ساخته بود و فیلمبرداری فیلم‌هایی همچون «نامه‌های باد»، «خواب تلخ»، «پیوه مرد»، «خانه مادری‌ام مرداب» و . . . را در کارنامه هنری‌اش دارد. طبق اعلام و تأیید بایرام فضلی صدآگذاری فیلم توسط امیرحسین قاسمی به همراه همکارانش هم‌اکنون در استودیو روشنا در حال انجام است. ظاهراً به علت مشکلات تعدادی که ناشی از عدم همخوانی تصویر و صدا بود بعد از چند ماه کار، صدآگذاری از ابتدا شروع شده است و گروه سازنده امیدوار است بتواند سر موقع فیلم را به جشنواره ونیز برساند. به گفته روابط عمومی فیلم «باز هم سبب داری؟» روایتگر زندگی مردمی است که شرایط حاکم بر خودشان را درک نمی‌کنند و تاوان گناه نکرده‌ای را می‌دهند که از آن خیر ندارند و یا خود را نسبت به آن به بی‌خبری می‌زنند. تدوین این فیلم توسط ابراهیم سعیدی انجام شده است.

فیلمبرداری مجدد «حافظ»

سه سکانس از فیلم سینمایی «حافظ» به کارگردانی ابوالفضل جلیلی به دلیل مشکلات فنی دوباره در شهرک صنعتی کاوه (ساوه) فیلمبرداری می‌شود. این بخش از فیلمبرداری که از شنبه آغازشده است، جلیلی از دو بازیگر حرفه‌ای استفاده می‌کند؛ اتفاقی که به ندرت در سینمای جلیلی می‌افتد. بخشی از این لوکیشن‌ها در تپه‌های اطراف شهرک صنعتی کاوه است. بازیگران فیلم «گل با پوچ» همگی بلوچ هستند و این بار نیز در این فیلم جلیلی را بازی می‌کنند. مهدی نگهبان، مهدی مرادی، نوید رئیسی، یاسین خوشامدزهی، حمید هدایتی‌راد، عبدالحی شماسی و یک‌زائنی به نام کومیکو آسو در نقش نیات دیگر بازیگران این فیلم هستند. «حافظ» داستا یک حافظ قرآن است که شخصیت بیبرونی و درونی او مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فیلم به صورت نمادین به اندیشه‌ها و افکار حافظ شیرازی شاعر بزرگ ایران پرداخته می‌شود.

بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان اسال در همدان برگزار خواهد شد.

در حالی‌که در همه جای دنیا جشنواره‌های سینمایی اعم از معتبر و غیرمعتبر به محل و شهر برگزاری شان شناخته می‌شوند، در ایران قرار است فستیوالی را که به جشنواره فیلم اصفهان معروف شده در شهری دیگر (یعنی همدان) برگزار کنیم! البته تاکنون در طول عمر ۲۰ساله جشنواره فیلم کودک دو بار این اتفاق رخ داده و نباید مسئله چندان عجیبی به نظر برسد.

اگر از ۵ دوره ابتدایی جشنواره فیلم کودک، که همراه با جشنواره فجر در تهران برگزار می‌شد بگذریم، تمامی دوره‌های این جشنواره به غیر از دو دوره، در اصفهان برگزار شده است. جشنواره فیلم کودک در سال ۷۵ (دوره دوازدهم) در کرمان و در سال ۷۷ (دوره سیزدهم) در تهران برگزار شد. به نظر می‌رسید با برگزاری مستمر این جشنواره طی سال‌های ۷۸ تا ۸۴ در اصفهان و جفا افتادن این شهر به عنوان محل برپایی فستیوال فیلم‌های کودکان دیگر شاهد اینگونه تغییر مکان‌ها نباشیم و همانند سایر کشورهای صاحب سینما، مکانی مشخص را برای برگزاری یک جشنواره

به اصطلاح بین‌المللی در نظر بگیریم. اما پس از گذشت هشت سال باز هم جشنواره فیلم کودک و نوجوان میان این شهر و آن شهر آواره می‌شود. راستی اگر در یک دوره جشنواره کن در پاریس، جشنواره مونترال در تورنتو و یا جشنواره ونیز در رم برگزار شود چه اتفاقی رخ خواهد داد و واکنش‌ها به چه صورت خواهد بود؟

■ قربانی سیاست‌ها

اگر چه طی ۸ سال گذشته محل برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان در اصفهان ثابت بوده است، اما این ثبات با استحکام چندانی همراه نبوده و هر لحظه امکان جابه‌جایی و تغییر مکان وجود داشته است. دوازدهمین دوره جشنواره فیلم کودک و نوجوان در کمال تعجب بسیاری از علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران سینمای ایران در کرمان برگزار شد. این در حالی بود که از سال ۶۹ این جشنواره و طی شش دوره به طور مستقل از جشنواره فجر، در اصفهان برگزار شده بود. آن زمان دلیل تغییر مکان جشنواره در ظاهر دادن فرصت به دیگر استان‌ها برای بروز قابلیت‌ها، جاذبه‌های توریستی و سهم داشتن در سینمای کودک عنوان شد. اما شنبه‌ای می‌شد اصلی‌ترین دلیل برای انتخاب کرمان به جای اصفهان، جو ناآرام این شهر به لحاظ سیاسی و عدم وجود فضای مناسب برای میزبانی یک جشنواره سینمایی بوده است.

بعد از برگزاری دوازدهمین دوره جشنواره در کرمان این جشنواره در سال ۷۶ به دلیل روی کار آمدن دولت جدید، تغییر سیاست‌های فرهنگی و نیز مشخص نبودن برنامه‌ها برگزار نشد.

اما در سال ۷۷ با اینکه قرار بود جشنواره فیلم کودک در اصفهان برگزار شود، به علت مخالفت استاندارد وقت اصفهان (که هم‌اکنون سفیر ایران در کویت است) با جشنواره به تهران منتقل و همزمان با جشنواره فیلم فجر برگزار شد. (در آن برهه زمانی استاندارد اصفهان به‌رغم توافق‌های قبلی بر این باور بود که چرا باید بودجه برگزاری جشنواره از محل اعتبارات این استان تأمین شود) در سال

۷۶ قراردادی میان شهرداری اصفهان، معاونت سینمایی و بنیاد فارابی برای برگزاری جشنواره فیلم کودک اصفهان تنظیم شد. براساس توافقات انجام‌شده میان محمدحسن پزشکی (نماینده فارابی)، سیف‌الداد (معاون سینمایی ارشاد) و جوادی (شهردار اصفهان) قرار شد شهرداری اصفهان مسئولیت برگزاری جشنواره و تأمین هزینه‌ها را بر عهده بگیرد و این شهر میزبان جشنواره باشد.

جشنواره فیلم کودک در سال ۷۸ براساس توافقات انجام‌شده در اصفهان برگزار شد. از سال ۷۹ شهرداری اصفهان خواهان سهم بیشتری در برگزاری جشنواره شد. از این سال بود که شهرداری اصفهان در جشنواره فیلم کودک نقش پررنگ‌تری پیدا کرد و در عین حال اختلافاتی میان شهرداری اصفهان و دبیرخانه جشنواره در تهران به وجود آمد.

از سال ۸۰ و در دوره شانزدهم جشنواره، بخش اعظم مسئولیت‌ها به غیر از امور مربوط به مهمانان، فیلم‌ها و کاتالوگ توسط اصفهان انجام شد. تا پیش از این همه کارها از جزئی‌ترین مسائل مانند زرو هتل، تبلیغات، چاپ و انتشار بن‌ها، هماهنگی ایاب و ذهاب و. . . در تهران انجام می‌شد. در سال ۸۰ حتی چاپ نشریه روزانه نیز توسط اصفهان صورت گرفت آن‌هم در دو شکل مختلف. سال ۸۱ و جشنواره هفدهم نیز به همین منوال سپری شد.

در این دو سال و دو دوره کارهای جانبی متعددی برای رونق جشنواره از سوی اصفهانی‌ها برنامه‌ریزی و انجام شد. کارناوال‌های عروسک‌های سینمایی، نمایشگاه نقاشی کودکان در حاشیه زاینده‌رود، افزایش تعداد سینماهای جشنواره، کمک‌های ۷/۵ و ۱۵ میلیون تومانی به فیلمسازان برگزیده برای ساخت فیلم بعدی و. . . از جمله اقداماتی است که برای برگزاری دوره‌های ۱۶ و ۱۷ جشنواره صورت گرفت.

سال ۸۱آخرین دوره‌ای بود که جشنواره براساس توافق پنج‌ساله برگزار شد. از سال ۸۲ با پایان دوره شورای شهر

تغییر مکان برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان اصفهان

غار علیصدر به جای زاینده‌رود

مهدی طاهباز



رو‌ی کار آمدن افراد جدید و تغییر سیاست‌ها، تجربیاتی در روند اجرایی جشنواره به وجود آمد. در این سال قرار شد که توافقاتمه جدیدی نوشته شود. اصفهانی‌ها خواهان تمامیت جشنواره بودند و اینکه انتخاب و داوری فیلم‌ها را نیز در دست بگیرند که این مسئله با موافقت محمدمهدی حیدریان (معاون سینمایی وقت) روبه‌رو نشد. حیدریان اعتقاد داشت که انتخاب و داوری فیلم‌ها قابل واگذاری نیست و فقط می‌توان اصفهان را در این موارد شریک نمود

نه اینکه کلیت آن را واگذار کرد. سرانجام در خردادماه سال ۸۲ قراردادی یک‌ساله میان شورای شهر اصفهان، شهرداری اصفهان، معاونت سینمایی ارشاد و بنیاد فارابی تنظیم شد. این قرارداد سه بند داشت و براساس آن اصفهانی‌ها متعهد شدند تا هزینه‌های دبیرخانه جشنواره در اصفهان را در طول سال تأمین کنند، دو سینمای اصفهان را به سیستم صوتی و نوری روزآمد مجهز کنند و به ازای آن تهران بکوشد ظرف ۳ سال بخش‌های قابل واگذاری جشنواره را به دبیرخانه اصفهان منتقل کند. بدین ترتیب هجدهمین دوره جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان نیز در اصفهان برگزار شد. اما طی سال‌های ۸۳ و ۸۴ فشارهای زیادی برای تغییر شهر برگزاری جشنواره و انتقال آن از اصفهان وارد شد. عده‌ای چه در تهران (مدیران سینمایی کشور) و چه در اصفهان (مدیران ارشد و شهرداری) علاقه داشتند تا شهر دیگری میزبان جشنواره شود. اصلی‌ترین دلیل این کار هم مسائل مالی بود. شهرداری اصفهان دیگر تمایل چندانی برای صرف هزینه نداشت و از طرف دیگر معاونت سینمایی تنها ۱۰۰ میلیون تومان برای برگزاری جشنواره در اختیار فارابی می‌گذاشت. با این وجود بودجه فارابی کفاف برگزاری جشنواره کودک را نمی‌داد. در سال ۸۳ برای برگزاری جشنواره فیلم کودک توافقاته‌ای مشابه سال ۸۲ اما این بار بین فارابی، معاونت سینمایی و استانداری اصفهان (و نه شهرداری) به امضا رسید. براساس این قرارداد مقرر شد تا استانداری اصفهان

نگاهی به فیلم طبل بزرگ زیر پای چپ ساخته کاظم معصومی

همین آدم‌های زمینی

سیدرضا صائمی



است. به هر حال بخشی از آدم‌هایی که در جنگ حضور داشتند همین آدم‌های زمینی و خاکی‌اند که در اطراف خود می‌بینیم و اصلاً خود یکی از آنها هستیم. شاید ترسیم چهره زمینی با تمام ضعف و قوت‌های آدمیان و عالم انسانی از آدم‌هایی که مقابل هم ایستاده‌اند را بازنمایی کند و در این بازنمایی مخاطب را به تامل دربارهٔ ذات جنگ دعوت می‌کند. اینکه در درون سنگرهای هر دو طرف، تجربه‌های مشترک انسانی تبلور دارد و میان من و اهریمن، فاصله‌ای می‌شود. برکه آب که در میان سنگر دوست و دشمن قرار دارد نمادی از نیاز مشترکی است که صلح و دوستی را جایگزین جنگ و دشمنی می‌کند. حافظ نیز با تر کردن لب به مهران او را به زنده بودن و حیاتی دوباره ترغیب می‌کند.

فیلم «طبل بزرگ زیر پای چپ» فارغ از داوری‌های ایدئولوژیک و ناسیونالیستی و فراتر از هر گونه تفسیر و تعبیراندیشی از جنگ، به درون چنین فضایی می‌رود تا دنیای آدم‌هایی که مقابل هم ایستاده‌اند را بازنمایی کند و در این بازنمایی مخاطب را به تامل دربارهٔ ذات جنگ دعوت می‌کند. اینکه در درون سنگرهای هر دو طرف، تجربه‌های مشترک انسانی تبلور دارد و میان من و اهریمن، فاصله‌ای می‌شود. برکه آب که در میان سنگر دوست و دشمن قرار دارد نمادی از نیاز مشترکی است که صلح و دوستی را جایگزین جنگ و دشمنی می‌کند. حافظ نیز با تر کردن لب به مهران او را به زنده بودن و حیاتی دوباره ترغیب می‌کند.

برای تجهیز سینماها تسهیلاتی فراهم سازد، هزینه‌های جاری دبیرخانه جشنواره در اصفهان در طول سال پرداخت شود و اصفهان به عنوان میزبان نسبت به تأمین هزینه اجاره سینماهای جشنواره اقدام کند. با وجود این تعهدات، بار مالی برگزاری جشنواره کودک در سال‌های ۸۳ و ۸۴ به دوش بنیاد فارابی افتاد. استانداری اصفهان طی این دو سال به تعهدات خود آن‌گونه‌که باید عمل نکرد و فارابی برای تأمین هزینه‌ها دست به کارهای مختلفی مانند فروش بلیت‌های سینماهای اصفهان و ذوب‌آهن به منظور پرداخت اجاره بهای سایر سینماها کرد. سرانجام در سال ۸۵ بین ماجراها تا جایی پیش رفت که همدان به جای اصفهان میزبان جشنواره فیلم کودک شد.

■ تغییر مکان عجیب

یقیناً تغییر مکان یک جشنواره بین‌المللی که جایش را میان داخلی‌ها و خارجی‌ها باز کرده کاری غیرمنطقی و عجیب به نظر می‌رسد. هویت جشنواره ایجاب می‌کرد تا با صرفه‌جویی در هزینه‌ها و پیدا کردن منابع مالی از طریق جذب اسپانسر جشنواره فیلم کودک را در همان اصفهان برگزار کرد. جالب است بدانید بیش از ۶۰ درصد از هزینه برگزاری جشنواره‌ای مانند کن از طریق اسپانسرها تأمین می‌شود. راه‌دور نرویم. سال گذشته حدود ۵۰۰ میلیون تومان از هزینه برگزاری جشنواره فجر از سوی اسپانسرها تأمین شد. (این رقم در سال ۸۰ حدود ۸۰ میلیون تومان بوده است.) اما متأسفانه تاکنون اقدامی برای جذب اسپانسر برای جشنواره کودک با قدمتی بیش از ۲۰ سال صورت نگرفته است.

جشنواره فیلم کودک طی این سال‌ها تبدیل به بخشی از هویت فرهنگی اصفهان شده و برای مردم این شهر جا افتاده است اما هیچ نهاد، ارگان و اداره‌ای حاضر نیست هزینه حفظ میزبانی اصفهان را بدهد. در این انتقال غیرمنطقی از شهرداری، شورای شهر و استانداری اصفهان گرفته تا معاونت سینمایی و بنیاد فارابی مقصرند.

■ غار علیصدر به جای زاینده‌رود

اما اگر بنا به دل‌یلی تغییر مکان برگزاری جشنواره را ضروری بدانیم، انتخاب همدان جای ستوال و تعجب دارد. شهرهای جایگزین بسیاری وجود دارد که می‌شد از آنها به عنوان میزبان جشنواره استفاده کرد. شیراز، مشهد یا حتی رشت از موقعت بسیار بهتری برای میزبانی برخوردارند. همدان تنها ۲ سینما دارد که از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیستند. با اینکه اصفهان ۵ سینما را به جشنواره اختصاص می‌داد و طی این سال‌ها سینمادارها برای جشنواره هم که شده سینماها را بازمزای می‌کردند، اما باز هم وضعیت سالن‌ها مطلوب نبود. اصفهان به لحاظ جذب توریست و مسافر در رتبه بالایی قرار دارد و هتل‌های معروف و متعددی در این شهر وجود دارند. اما با این حال همیشه برای اسکان مهمانان در اصفهان مشکل وجود داشته است. آیا هتل‌ها و یا حتی مهمانسراهای همدان ظرفیت پذیرایی و اسکان مهمانان جشنواره را دارا هستند؟ هنوز تجربه نه چندان مناسب برگزاری جشنواره کودک در کرمان فراموش نشده است. آیا همدان هم دچار چنین وضعیتی خواهد شد؟

زندگی مردم فاصله دارد. در حالی‌که آنان که به مقامات عالی‌انسانی دست یافته‌اند اتفاقاً از خاک به افلاک رسیده‌اند! چندان غریبه و فرانسائی نبودند. «طبل بزرگ زیر پای چپ» روایت همین آدم‌ها است. آدم‌های زمینی غیراسطوره‌ای که در هاله‌ای از تقدس اسیر نشده‌اند و می‌توان آنها را فهمید. اساساً می‌توان فیلم معصومی را جدا از جنگ ایران و عراق و فارغ از بار ایدئولوژیک و احساسی آن تنها در مقام یک پدیده بشری و تاریخی دانست که نحوه تعامل آدمیان زمینی را با جنگ به تصویر می‌کشد و یا نه، می‌توان همین جنگ ایران و عراق را در نظر گرفت که آدم‌هایی مثل مهران هم در آن حضور داشته‌اند. جنگ از نگاه کسی که به اثر اجبار به آن آمده است چگونه می‌تواند باشد؟ زاویه نگاه معصومی در طبل بزرگ زیر پای چپ این‌گونه است. مهران نماینده انسان‌های معترض به آسیب‌های جنگ است؛ اعتراض به وضع موجود. او پیش از آنکه در وضعیت تاریخی خود فروپد آید آن را به پرسش می‌گیرد و بیشتر از مرگ از زندگی و صلح صحبت می‌کند. در صحنه‌ای که او با شوق تمام اسلحه حامل پرچم سفید را می‌چرخاند ماهیتش بیشتر بروز می‌کند. یکی از نشانه‌های مهم در داستان فیلم حضور عینی و نمادین آب است. در وضعیت کویری، سوزان و آفتابی جبهه آب معنی عمیق‌تری به خود می‌گیرد و نماد پررنگ‌تری از حیات است. مهران افسرده و عصبی و خسته با دست یافتن به آب شوق راستین می‌یابد و کمی از آلامش کاسته می‌شود. برکه آب که در میان سنگر دوست و دشمن قرار دارد نمادی از نیاز مشترکی است که صلح و دوستی را جایگزین جنگ و دشمنی می‌کند. حافظ نیز با تر کردن لب به مهران او را به زنده بودن و حیاتی دوباره ترغیب می‌کند.

فیلم «طبل بزرگ زیر پای چپ» فارغ از داوری‌های ایدئولوژیک و ناسیونالیستی و فراتر از هر گونه تفسیر و تعبیراندیشی از جنگ، به درون چنین فضایی می‌رود تا دنیای آدم‌هایی که مقابل هم ایستاده‌اند را بازنمایی کند و در این بازنمایی مخاطب را به تامل دربارهٔ ذات جنگ دعوت می‌کند. اینکه در درون سنگرهای هر دو طرف، تجربه‌های مشترک انسانی تبلور دارد و میان من و اهریمن، فاصله‌ای می‌شود. برکه آب که در میان سنگر دوست و دشمن قرار دارد نمادی از نیاز مشترکی است که صلح و دوستی را جایگزین جنگ و دشمنی می‌کند. حافظ نیز با تر کردن لب به مهران او را به زنده بودن و حیاتی دوباره ترغیب می‌کند.

فیلم «طبل بزرگ زیر پای چپ» فارغ از داوری‌های ایدئولوژیک و ناسیونالیستی و فراتر از هر گونه تفسیر و تعبیراندیشی از جنگ، به درون چنین فضایی می‌رود تا دنیای آدم‌هایی که مقابل هم ایستاده‌اند را بازنمایی کند و در این بازنمایی مخاطب را به تامل دربارهٔ ذات جنگ دعوت می‌کند. اینکه در درون سنگرهای هر دو طرف، تجربه‌های مشترک انسانی تبلور دارد و میان من و اهریمن، فاصله‌ای می‌شود. برکه آب که در میان سنگر دوست و دشمن قرار دارد نمادی از نیاز مشترکی است که صلح و دوستی را جایگزین جنگ و دشمنی می‌کند. حافظ نیز با تر کردن لب به مهران او را به زنده بودن و حیاتی دوباره ترغیب می‌کند.

گزارش روز

برخورد با مافیای قاچاق سینمای ایران

دسته سیسیلی‌ها

بابک غفوری آذر

بخش اول این گزارش روز گذشته به چاپ رسید. بخش پایانی آن را می‌خوانید.
در حالی‌که به نظر می‌رسد صرف انتشار اخبار این اعتراضات و نامه‌نگاری مقامات بلندپایه دولتی باعث شده است تا فعالان بازار قاچاق آثار سینمایی برای چند روز از حجم فعالیت خود کم کنند و در ظاهر فعالیت‌های خود را متوقف کنند اما همچنان موضوع هویت این باند مافیایی و نحوه تغذیه آن موضوع اصلی محافل سینمایی است. به خصوص که در چند ماه اخیر با عرضه نسخه‌های بسیار باکیفیتی از فیلم‌های در حال نمایش، مشخص شد که ارتباط‌های این شبکه‌ها به سینماها و محل عرضه فیلم‌ها محدود نیست و واسطه‌هایی در مراکز سینمایی نیز دارند. رسول صدرعاملی از کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینمای ایران اعتقاد دارد که این شبکه مافیایی از قدرت بسیار بالایی برخوردار است و برای برخورد با آن عزم جدی از سوی مسئولان لازم است. او می‌گوید: «چند مرکز تکثیر غیرقانونی مهم در تهران وجود دارد که در زمان‌های مشخصی به شکل گسترده و در تیراژهای بالا اقدام به تکثیر فیلم‌های در حال اکران در سینماها می‌کنند.»
سیروس تسلیمی از تهیه‌کنندگان و بخش‌کنندگان سینمای ایران نیز وجود واسطه‌هایی از میان خود سینماگران و نهادهای دولتی با این باند‌ها را رد نمی‌کند: «به دلیل سود بالای حاصل از فعالیت در این زمینه، افراد مختلفی با قیمت‌های گوناگون جذب اینگونه باند‌ها می‌شوند و در واقع به شکلی قطع می‌شوند.»
تسلیمی درباره فعالیت گسترده اخیر این باند‌ها و وجود نسخه‌های با کیفیت از فیلم‌های بر پرده در بازار زیرزمینی می‌گوید: «تصور می‌کنم اخیراً پنج شش شرکت زیرزمینی در سطح گسترده‌ای فعال شده‌اند و البته کاملاً نیز از اتفاقات سینمایی‌بابخر هستند. این نوع به‌شدنی و عرضه فیلم‌ها می‌توان این موضوع را متوجه شد.»
در این میان یکی از سینماگران پیگیر این موضوع منبع اصلی دستیابی مافیای قاچاق به نسخه‌های فیلم‌های ایرانی را یکی‌های ویدئویی این آثار عنوان می‌کند که برای عرضه در خارج از کشور تهیه می‌شوند. به گفته این منبع آگاه این نسخه‌ها همزمان با مراحل پایانی آماده‌سازی فیلم‌ها به جهت عرضه در خارج از کشور توسط عوامل خود فیلم‌ها تهیه می‌شوند و معمولاً خیلی سریع به دست سرچشمه‌های اصلی باند و تکثیر و توزیع غیرمجاز فیلم‌های سینمایی می‌افتند.
بهمن فرمان‌آرا کارگردان شناخته‌شده نیز سال گذشته بعد از انتشار نسخه‌های غیرمجازی از آخرین فیلمش «یک بوس کوچولو» به فاصله یک هفته بعد از آغاز اکران فیلم، دستیابی قاچاقچیان به کپی تهیه‌شده برای نمایش در خارج از کشور را عامل اصلی این موضوع عنوان کرده بود.
پیش از این البته غلامرضا موسوی از ایجاد مکاتبنسی جدید در زمینه کدگذاری فیلم‌ها برای مشخص شدن محل اصلی انتشار آنها خبر داده بود اما ظاهراً واسطه‌های بازار قاچاق زودتر از مراحل کدگذاری به نسخه‌های ویدئویی فیلم‌ها دست می‌یابند.

تیغ و ابریشم

با آنکه اقدامات اخیر انجام شده در سطوح مدیران عالی کشور در جهت برخورد با پدیده قاچاق آثار سینمایی، گسترده‌ترین و مهم‌ترین فعالیت صورت گرفته درباره این موضوع محسوب می‌شود، اما همچنان سینماگران این اقدامات را کافی نمی‌دانند. آنها خواستار حاکم شدن دیدگاهی کلان‌تر به این موضوع هستند.
سیروس تسلیمی اعتقاد دارد: «اموضوع تکثیر محصولات سینمایی باید به عنوان نوعی دخل در تصرف و مال افراد شناخته شود که در جهت متصرف به عنوان سارق مال شناخته خواهد شد. به این ترتیب مجازات‌های قانونی نیز درباره این افراد شدت بیشتری خواهد یافت.»
غلامرضا موسوی نیز از لزوم بالابردن ریسک فعالیت در این زمینه برای سودجویان صحبت می‌کند و می‌گوید: «اگر نیروی انتظامی و قوه قضائیه به‌طور جدی در جهت مبارزه با قاچاق فیلم عمل کنند، ریسک فعالیت در این زمینه برای قاچاقچیان بالا رفته و به‌طور طبیعی درصد حضور افراد در اینگونه باند‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد.»
او البته بر لزوم تصویب قوانینی جدید برای فعالان این حوزه به تأکید فراوان می‌کند. محمد اربابی نیز افزایش مجازات‌های مجرمین این موضوع را راه حل اساسی مقابله با این پدیده عنوان می‌کند و خبر می‌دهد که قرار است مجازات‌های سنگین‌تری برای متخلفان در نظر گرفته شود.
هرچند به‌نظر می‌رسد انجام اینگونه اقدامات نیازمند تصویب قوانین جدیدی در نهادهای ذیربط است و نمی‌توان خیلی سریع به عملیاتی شدن آنها خوشبین بود.
لزوم انجام اقدامات تنبیهی در این زمینه در حالی مطرح می‌شود که وجود تقاضاهای زیاد از سوی خریداران اینگونه آثار نیز در رونق و گسترده‌گی اینگونه بازارهای زیرزمینی نقش مهمی دارد.
گرایش روزافزون مردم برای مشاهده آثار سینمایی در خانه در کنار پیشرفت روزافزون فناوری‌های نمایش محصولات خانگی باعث شده است که همواره تقاضای بالایی برای خرید این آثار وجود داشته باشد و مافیای قاچاق را به فعالیت بیشتر تشویق کند.
توجه به این موضوع باعث می‌شود راهکار موثر دیگری در زمینه برخورد با این پدیده از سوی کارشناسان و دست‌اندرکاران مطرح شود. فرهنگ سازی و آگاه کردن مردم نسبت به آسیب‌های ادامه این جریان به کل فضای فرهنگی جامعه از جمله اقدامات دیگری است که محمود اربابی به عنوان برنامه‌های پیش روی مدیران فرهنگی کشور در جهت مقابله با این پدیده مطرح می‌کند: «با توجه به اینکه مراجع تقلید به‌ویژه مقام معظم‌بهری نیز خرید این فیلم‌های قاچاق را حرام اعلام کرده‌اند، باید با اطلاع‌رسانی مناسب در این خصوص آگاه کردن مردم نسبت به ضررهای ادامه یافتن این جریان، نسبت به ارتقای سطح فرهنگی جامعه تلاش کنیم.»

صبح روز همد

«هرچند وقت به‌بار غیشون می‌زنه و بعد مدتی دوباره پیداشون می‌شه.» این گفته‌های همان فروشنده مغازه خیابان جمهوری درباره تکرار غیبت دستفروشان آثار سینمایی نشان می‌دهد که در میان افراد جامعه نیز هنوز اطمینانی به برخورد جدی با باند‌های قاچاق محصولات سینمایی وجود ندارد.
در این میان باز هم باید مظهر ماند و نتیجه اقدامات را دید هرچند که سینماگران بر مهلت ۱۰ روزه خود برای انجام اقدامات جدی‌تر به بافتاری می‌کنند.